



بسم الله الرحمن الرحيم

لازم است در درجه‌ی اول عید را به همه‌ی برادران و خواهران تبریک عرض کنیم. با اینکه از عید خیلی گذشته - پانزده شانزده روز - لیکن عید نوروز در واقع عید بهار است و فارغ از تعطیلات رسمی و رسومات و این چیزها، ایام عید در واقع ادامه دارد. امیدواریم ان شاء الله سال جدید بر همه‌ی ملت ایران، بخصوص بر خدمتگزاران مردم در دستگاه‌های مختلف و در قوای سه‌گانه، سال مبارکی باشد. مبارک بودن سال هم به این است که خدای متعال به وسیله‌ی شما، برکات خودش را در این کشور، در این مرز و بوم، به این مردم خوب و مؤمن برساند. البته این، تلاش هدفدار و پیرانگیزه از سوی من و شما را میطلبد. تلاش کنیم، ان شاء الله وجودمان را برای مردم نافع کنیم. از لحظه لحظه‌ی روزهای مسئولیت من و شما سؤال خواهد شد. از همه سؤال خواهد شد؛ منتها آن کسی که بار سنگینی بر دوشش نیست، مثل آن کسی است که مال زیادی ندارد؛ از او حساب بخواهند، سرانگشتی یک چند قلم بیان خواهد کرد، خلاص خواهد شد. آن کسی که مال زیاد دارد، اندوخته‌ای دارد، رشته‌های گوناگون درآمدی دارد، طبعاً اگر از او حساب بخواهند، با یک کلمه و دو کلمه، این حساب تمام نمیشود. اگر طرف حساب، دقیق باشد و بخواهد مو را از ماست بکشد و بخواهد سختگیری کند، بخواهد با عدالت رفتار کند، طبعاً خیلی مشکل خواهد شد؛ قدم به قدم این را بایست جواب داد: این پول را از اینجا به دست آوردیم، اینجا خرج کردیم، به این دلیل به دست آوردیم، به این دلیل خرج کردیم. مسئولیت هم همین جور است. حالا الحمدلله شماها علی‌الظاهر افراد مالدار و پولدار و ثروتمندی نیستید - ان شاء الله که نباشید - لیکن سنگینی مسئولیت شما از سنگینی آن مال بیشتر است. از ما سؤال میکنند: در فلان قضیه، شما مسئولیتتان چه بود؟ جزئیات مسئولیت را باید بدانید. اگر ندانیم، سؤال میکنند که چرا نمودار مسئولیت این است؟ چطور غفلت کردی؟ وقتی که بدانیم، میگویند حالا این مسئولیت را چطور ادا کردید؟ طول میکشد تا شرح بدهیم، تا بیان کنیم، تا عذر بیاوریم. و همه بدهکاریم. همه‌ی بشریت، همه‌ی خلق عالم، در مقابل محاسبه‌ی الهی بدهکارند. هیچ کس نمیتواند بگوید من میزان اعمالم به قدر کفاف پاسخگوست؛ انبیاء هم نمیتوانند بگویند؛ لذا استغفار میکنند. انبیاء و اولیاء هم تا لحظه‌ی آخر استغفار میکنند، طلب مغفرت میکنند. امام سجاد در دعا میفرماید: «و عدلك مهلكی»؛ عدالت تو، پدر من را در می‌آورد. لذا عرض میکنیم: «عاملنا بفضلك». اگر بحث عدالت پیش بیاید و بخواهند مو را از ماست بکشند، و اگر در کارهایمان دقت کنیم، و اوایلاست. باید از خدای متعال فضل او را بخواهیم، اغماض او را بخواهیم، گذشت او را بخواهیم.

البته یک حرف هست که آن را میشود در پیشگاه خدای متعال عرضه کرد؛ و آن این است که من به قدر توان خودم تلاش کردم. اگر بتوانیم این را بگوئیم، خوب است. به قدری که میفهمیدم، به قدری که میتوانستم و میدانستم، تلاش کردم؛ دیگر حالا کم و زیاد و نقص و مشکل و کمبود و اینها را عفو کن؛ اینجوری میشود. پس باید همتمان را بگماریم به اینکه از همه‌ی نیرو و توان و استعداد و ظرفیت استفاده کنیم. البته هر انسانی وضعی دارد، مشکلی دارد، کمبودی دارد؛ اینها را هم به خدا محول کنیم؛ لیکن تلاش خودمان را بکنیم، از ظرفیت کم نگذاریم. حالا ما عرض کردیم: همت مضاعف، کار مضاعف. این مضاعف فقط به معنای دو برابر نیست. اگر همت کنید، بکنید ده برابر، جا دارد. آنچه که خیلی مهم است، ظرفیتهای موجود در جامعه است. ما در همه‌ی زمینه‌ها مثل یک معدن استخراج نشده یا نیمه استخراج شده هستیم. اهل فن و متخصصین و کارشناسان در همه‌ی زمینه‌ها - مثل زمینه‌های اقتصادی، زمینه‌های فنی، زمینه‌های علمی - به ما میگویند ظرفیتهای کشور، ظرفیتهای بی‌ظنیری است. دوستانی که اهل هر رشته‌ای، هر بخشی از کارهای مهم جامعه هستند و با مسائل آشنا هستند، آنها در بخش خودشان وقتی گزارش میدهند، وقتی مقایسه میکنند، وقتی ما را، ملتمان را، کشورمان را با خیلی کشورهای دیگر تطبیق میکنند، ما را به این نتیجه میرسانند که ظرفیتهای ما خیلی زیاد است. در زمینه‌ی اقتصادی، ظرفیت کشور خیلی



بالاست. در زمینه‌ی علمی، ظرفیت کشور واقعاً حیرت‌آور است. يك مقدار که انسان حرکت را سریع‌تر میکند، جدی‌تر میکند، فشاری وارد می‌آید و اصراری صورت می‌گیرد، انسان می‌بیند ناگهان همین طور گلهائی است که در این باغ میشکند؛ نهالهائی است که در این بوستان میباید، که انسان هیچ تصورش را نمیکرد و گمانش را نداشت؛ اما می‌بینیم شد و میشود.

در بخشهای مختلف فرهنگی هم وقتی انسان نگاه میکند، می‌بیند آمادگی‌ها زیاد، استعدادها جوشان، نفرات بالاستعداد و فراوان است. در زمینه‌های فناوری هم انسان می‌بیند حرکت ممکن در کشور، خیلی عظیم و دهشت‌انگیز است. کارهای بزرگی میشود انجام داد. اینها ظرفیتهای کشور است.

حالا این ظرفیتهای مختلف دست من و شماست. اگر چنانچه این ظرفیتهای را نشناسیم، کوتاهی کردیم؛ اگر بشناسیم و برای به کارگیری این ظرفیتهای همت نکنیم، کوتاهی کردیم؛ اگر به يك حد متوسطی قانع بشویم، کوتاهی کردیم. باید به سمت قله حرکت کنیم. درست مثل ورزشکاری که استعداد بدنی دارد، قواره‌ی اندامی او قواره‌ی مناسبی است، امکانات ورزشی هم جلویش هست؛ او دیگر نمیتواند بگوید من هر روزی نیم ساعت، بیست دقیقه نرمش میکنم؛ او باید برود به سمت قهرمانی؛ قله را باید در نظر بگیرد.

در کارهای اخروی هم همین جور است، در کارهای معنوی هم همین جور است، در حرکت توحیدی هم همین جور است؛ به کم نباید قانع شد. در طلب ثواب الهی هم همین جور است؛ به کم نباید قانع شد. خوب، اگر ما این همت بلند را به کار نگیریم، ظلم کردیم، کوتاهی کردیم. این کوتاهی ما هم ظلم است؛ هم ظلم به خود ماست - چون مورد مؤاخذه‌ی الهی قرار میگیریم - هم ظلم به کسانی است که استحقاق این را دارند که از این ظرفیتهای استفاده کنند و بهره‌مند شوند. اگر بهره‌مند نشوند، ما تقصیر کردیم. گفتن این حرفها آسان است. عمل کردن و حرکت کردن، دشوار است؛ احتیاج به همت دارد.

بدانیم هم که خدای متعال به ما کمک میکند. هر کسی که دنبال يك هدفی باشد و نیرویش را به کار بگیرد، خدا کمکش میکند. در کار دنیائی هم باشد، خدای متعال کمک میکند؛ «کلا نمذّ هؤلاء و هؤلاء». (1) همان کسانی که دنبال دنیا هستند، خدا میگوید کمکشان میکنیم. اگرچه وقتی مصروف دنیا شدند، دیگر از آخرت نصیبی نخواهند داشت. هم آنها را که دنبال آخرتند، کمک میکنیم، هم آنها را که دنبال دنیایند. آخرت هم فقط نماز شب و دعا و ذکر و توسل و اینها نیست. البته اینها هم وسائل است؛ لیکن خدمت به مردم، حضور در آنجائی که لازم است، اینها همه‌اش کارهای خدائی است.

شما ببینید در صدر اسلام، آن کسانی که ممدوح واقع شدند - حالا توی فرهنگ ما، بر طبق عقیده‌ی ما - بیش از آنچه که به خاطر نماز و عبادتشان ممدوح واقع شدند، به خاطر موضعگیری‌های سیاسی‌شان، اجتماعی‌شان و مجاهدتشان ممدوح واقع شدند. ما ابی‌ذر را، یا عمار را، یا مقداد را، یا میثم تمار را، یا مالک اشتر را کمتر به عبادتشان مدح میکنیم. تاریخ، اینها را به آن مواضعی میشناسد که این مواضع، تعیین کننده بود؛ حرکت کلان جامعه را توانست هدایت کند، شکل بدهد و به پیشرفت این حرکت کمک کند. آنها هم که مذمت شدند، همین جور. خیلی از بزرگان که مورد مذمت قرار گرفتند، به خاطر شرب خمر مذمت نشدند، به خاطر بی‌نمازی مذمت نشدند؛ به خاطر عدم حضور در آنجائی که حضورشان لازم بود، مذمت شدند. تاریخ، اینجوری ثبت کرده؛ نگاه کنید، ببینید. پس کار خدا، کار معنوی، کار توحیدی، کار توحیدی، منحصر نیست در نماز خواندن؛ اگرچه نماز را دست کم نباید گرفت. نماز پشتوانه‌ی همه‌ی اینهاست. تلاوت قرآن، تدبر در قرآن، تضرع پیش خدای متعال، خواندن ادعیه‌ی مأثور - صحیفه‌ی سجادیه، دعای امام حسین، دعای کمیل، بقیه‌ی این ادعیه‌ای که هست - اینها همه‌اش کمک کننده است؛ روان کننده‌ی حرکت موتور وجود انسان است؛ که اگر چنانچه شما با خدا انس داشتید و میان خودتان و خدا را درست و اصلاح کردید، این کارها را راحت‌تر انجام میدهند؛ با رغبت بیشتر، با شوق بیشتر انجام میدهند. بنابراین کسی که میخواهد کار خدا را بکند، خدای متعال کمکش میکند. کسی بخواهد کار دنیا را هم بکند، همین جور. اینها که دنیا، یا مقام دنیا، یا پول دنیا، یا عیش دنیا، لذتهای جنسی و امثال اینها برایشان هدف و غرض و مآل بود - که حالا در دنیا نمونه‌هایش را زیاد مشاهده میکنید - اینها هم وقتی که در راه همان هدف خودشان تلاش کردند، خدا



کمکشان میکند. کمک الهی به این است که وسائل را در اختیارشان میگذارد. همت میکنند، از این راه میروند، هدفشان هم فقط هدف مادی است؛ لذا به آن هدف میرسند. البته چون آن جانب اصلی را که جانب معنوی و الهی و اخروی است، ندیده گرفتند، آنجا ضرر میکنند؛ اما در این قسمتی که هدف گرفتند، پیش میروند. خوب، حالا شما آقایان و خانم‌هایی که اینجا تشریف دارید، مسئولین هستید و این حرفه‌ای که ما به شما عرض میکنیم، حرفه‌ای است که خود شماها به مردم میگوئید؛ حرفه‌ای جدیدی برای شماها نیست؛ تذکر است دیگر. انسان احتیاج دارد به تذکر. در یادآوری، نتایج بزرگی هست که در دانستن، آن نتایج نیست. خیلی چیزها را انسان میداند، اما باید مرتب به انسان یادآوری بشود. توجه کنیم که ما کجا هستیم، چه کار داریم میکنیم، هدف چیست؟ هدف، این یک شاهی صنار دنیا نیست که ما به خاطر آن، وظیفه‌ی بزرگ را فراموش کنیم و اهداف عالی را زیر پا بگذاریم. هدف، مدح و تمجید این و آن نیست که مثلاً فرض بفرمائید چند صباحی به یک کرسی‌ای تکیه بزنیم، چهار نفر جلوی ما خم و راست بشوند یا اطاعت کنند. اینها که برای بشر کوچک است. هدف، فلاح است؛ نجات است - «قد افلح المؤمنون» (2) - باید آن را هدف گرفت. باید به فکر زندگی حقیقی بود، که این زندگی حقیقی شروع خواهد شد؛ حالا دیر یا زود، برای همه‌ی ماها، چند روز دیگر، چند ساعت دیگر، چند سال دیگر؛ بالاخره آن زندگی حقیقی با مرگ مادی و جسمانی آغاز خواهد شد. هدف این است که آنجا را آباد کنیم؛ همه‌ی اینها مقدمات است. یکی از چیزهایی که خیلی مهم است - چون حالا تقریباً همه‌ی مسئولین قوا، از هر سه قوه اینجا تشریف دارید - یکپارچگی در حرکت است؛ ولو یکپارچگی در فکر و نظر و سلیقه نباشد، که نه ممکن است، نه آنقدر هم مطلوب است. اختلاف سلائق و اختلاف نظرات به مباحثه می‌انجامد، و مباحثه به کشف عرصه‌های جدید منتهی میشود. بنابراین ما هیچ توصیه نمیکنیم که حتماً همه در همه‌ی مسائل یکسان فکر کنند؛ نه، اصلاً ممکن هم نیست و امکان ندارد. اختلاف در نظر و در سلیقه و در فکر و در فهم، خودش از اول خلقت بشر وسیله‌ای شده است برای پیشرفت انسان. اما با وجود آن اختلافاتی که وجود دارد، هماهنگی در حرکت لازم است. اگر کاروانی باشد، افراد کاروان بین خودشان اختلافاتی داشته باشند، بحثی داشته باشند، دعوائی داشته باشند، مباحثه‌ی علمی داشته باشند، مباحثه‌ی سیاسی داشته باشند، مباحثه‌ی در مسائل گوناگون و روزمره داشته باشند، با هم بحث کنند - این ایرادی ندارد - به نتیجه رسیدند، چه بهتر؛ به نتیجه هم نرسیدند، نرسیدند؛ ایرادی ندارد؛ اما این حرکتی که دارد انجام میگیرد، متوقف نشود. اینجور نباشد که این مباحثه موجب بشود که وسیله‌ی راهواری که زیر پایشان است، این را از کار بیندازند، مشغول مباحثه شوند؛ یا احياناً بگویند حالا که در این مسئله‌ی علمی به نتیجه‌ی واحدی نرسیدیم، پس تو از آن راه برو، من از این راه؛ نه آقا، داریم میرویم؛ هدف مشخص است. سه قوه باید اینجوری حرکت کنند. دوستان عزیز! برادران و خواهران عزیز که در سه قوه تشریف دارید! مراقب باشید وحدت حرکت، یکپارچگی در حرکت و در تصمیم‌های بزرگ، حفظ شود؛ اختلافات به اختلافات در کار اساسی نینجامد. ما الان برنامه‌ی پنجم را در پیش داریم. برنامه‌ی پنجم الزامات خیلی زیادی بر دوش همه گذاشته. البته وسط میدان، طبعاً دولت است، که مجری است؛ اما دستگاه قوه‌ی مقننه، دستگاه قوه‌ی قضائیه، دستگاه‌های جنبی‌ای که وجود دارند، اینها همه، هم مسئولند، هم مؤثرند. اگر بنا باشد که سر قدم به قدم کارها و حرفها بگوئیم حالا که اینجور شد، پس هیچی، همکاری نمیکنیم، کار پیش نمیرود. همکاری کنید، کمک کنید و برای آن کسی که در وسط میدان اجراء قرار دارد، تسهیلات فراهم کنید. البته مصالح را در نظر بگیرید، لیکن کمک کنید که کار اجرائی بخوبی انجام بگیرد و پیش برود.

من توصیه‌ی مؤکد دارم به همکاری دستگاه‌های سه‌گانه و قوای سه‌گانه، تا بتوانیم ان شاء الله چشم‌انداز را تأمین کنیم. اهداف چشم‌انداز، اهداف خیلی مهمی است. البته اگر همت مضاعف کنید، از آن اهداف، جلوتر هم میروید؛ این ممکن است و هیچ استبعادی هم ندارد. الان مشاهده میکنیم که ما از زمان‌بندی فرضی در مورد اهداف چشم‌انداز، در بعضی از بخشها جلو هم هستیم. ممکن است در بعضی از بخشها هم یک خرده عقب باشیم، اما در بعضی از بخشها حتماً طبق آن زمان‌بندی فرضی که انسان در ذهن دارد، جلو هم هستیم و مشکلی نداریم. میتوان از آن اهداف جلوتر هم برویم. احتیاج به این معنا هست که ما بتوانیم جلوتر برویم، بتوانیم حرکت کنیم، تلاش کنیم.



پس همت مضاعف لازم است.

هم در زمینه‌های اخروی، هم در زمینه‌های دنیوی باید تلاش کرد. دوستان در زمینه‌های فردی و ارتباطات خود با خدا هم هرچه می‌توانند، همت و کار را مضاعف کنند؛ این هم به دست غفلت و فراموشی سپرده نشود. مسائل شخصی و فردی - آنچه که بین هر کسی با خداست - خیلی اهمیت دارد. اگر وارد بشویم و با این چیزها انس پیدا کنیم، ان شاء الله خدای متعال هم بیشتر کمک خواهد کرد؛ کما اینکه تا الان هم خدای متعال به ما خیلی کمک کرده.

مسائل فرهنگی هم خیلی مهم است. فرهنگ عمومی خیلی مهم است. چهره‌ی دینی در زندگی عمومی مردم خیلی مهم است. چهره‌ی دینی و ظاهر دینی - که البته ان شاء الله خبر از باطن خواهد داد - خیلی حائز اهمیت است. خوب، باید تشکر هم بکنیم از برادرانی که در ایام تعطیلات نوروزی خیلی تلاش کردند؛ از نیروی انتظامی بگیرید، تا صدا و سیما، تا دستگاه‌های بهداری و بیمارستانها و اورژانسها و چه و چه. دستگاه‌های گوناگون خدمات زیادی را متقبل شدند، برای اینکه مردم بتوانند آسایش خودشان را داشته باشند. در بخشهای دولتی، در بخشهای گوناگون، تلاشهای خیلی خوبی انجام گرفت. واقعاً بعضی همت کردند، کار کردند، برای مردم آسایش و شادی و راحتی و امنیت را حفظ و تأمین کردند؛ اینها خیلی باارزش است.

و چقدر خوب است که دستگاه‌های رسمی، کار خود را از همان اوان اتمام تعطیلات رسمی شروع کنند. خوشبختانه بعضی‌ها خیلی تلاش کردند، خیلی حضور داشتند. از اول روزهای فروردین که ماها در تعطیلات بودیم، میدیدیم بعضی‌ها تلاش میکردند، بودند، حضور داشتند، کارهای خوبی انجام میگرفت. هرچه بتوانید فرهنگ کار و تلاش و حضور در عرصه‌ی کار و سنگر کار را گسترش بدهید، خیلی خوب است؛ این به حرکت جامعه و نشاط جامعه کمک خواهد کرد.

امیدواریم ان شاء الله خداوند متعال به همه توفیق بدهد، همه‌تان را تأیید و کمک کند. ان شاء الله این مسئله‌ی هدفمند کردن یارانه‌ها هم که حالا شنیدم باز يك توافقهایی دارد صورت میگیرد، به بهترین شکل توافقی صورت بگیرد و کارهای خوبی انجام شود و مردم بتوانند طعم تدابیر شماها و تلاش شماها را ان شاء الله بچشند و بهره ببرند. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

(1) اسراء: 20

(2) مومنون: 1